

برگرفته از کتاب ادبیات نخبگان نهم

مروّت محمدی، دبیر ادبیات علامه حلی اراک

پیدای پنهان

نثر: ساده و روان

جهان، جمله، فروغ روی حق دان حق اندر وی ز پیدایی است، پنهان

(محمود شبستری)

مفضل، روزی در نزدیک مزار شریف پیامبر اکرم (ص) نشسته بود که دید شخصی
بایلی از دوستانش به آنجا آمده است و در ضمن صحبت هایش وجود خدا و نبوت را رد
می کند. مفضل به شدت به سخنان او اعتراض کرد و آن گمراه، جواب گفت که اگر از
شاگردان جعفر بن محمد (ع) هستی، باید بدانی که او زیاده از این، سخنان ما را شنیده و

با متانت جواب گفته است؛ لذا تو هم شایسته با ما سخن بگو.

مفضل، اندوهناک، نزد امام صادق (ع) رفت و ماجرا را برای ایشان گفت. امام در پاسخ، حکمت‌های آفرینش را این‌گونه بیان فرمودند:

«ابتدا می‌کنم ای مفضل، به یاد کردن خلقت انسان. پس، عبرت‌گیر از آن. تفکر کن ای مفضل، در همهٔ اعضای بدن و تدبیر آنها که هر یک برای هدفی و حاجتی آفریده شده‌اند؛ دست‌ها برای کار کردن، پاها برای راه رفتن، چشم‌ها برای دیدن. همچنین اگر در جمیع اعضا تأمل کنی، می‌بینی هر یک برای کاری خلق شده‌اند.

مفضل گفت: ای مولای من! گروهی می‌گویند که اینها کار طبیعت است.

حضرت فرمود: پرس از ایشان که آیا این طبیعت که شما می‌گویید، علم و قدرت دارد بر این کارها یا نه؟ اگر گویند که علم و قدرت دارد، پس به خدا قائل شده‌اند و او را «طبیعت» نام کرده‌اند؛ زیرا معلوم است که طبیعت را شعور و اراده نیست؛ و اگر گویند که طبیعت را علم و اراده نیست، پس معلوم است که این کارها از طبیعت بی‌شعور، صادر نمی‌شود.

ای مفضل! چه کسی دل را در میان سینه قرار داده و پنهان کرده و پیراهنی که پردهٔ دل است، بر روی آن پوشانیده و دنده‌ها را بر بالای آن حافظ گردانیده، با گوشت و پوستی که بر روی دنده‌ها قرار داده، برای آنکه از خارج، چیزی بر آن وارد نشود که موجب جراحت آن گردد؟ چه کسی شش را با دزنِ دل قرار داده که پیوسته در حرکت است و باز نمی‌ایستد؟ برای آنکه حرارت در دل جمع نشود که آدمی را تلف کند.

ای مفضل! اکنون تأمل کن در قوه‌ها و فواید آنها که حق تعالی در وجود انسان قرار داده

است. اگر از این قوه‌ها حافظه را نمی‌داشت، چگونه بود حال او و چه خلل‌ها داخل می‌شد در امور و زندگانی و کارهای او! زیرا در خاطرش نمی‌ماند که از او چه در نزد مردم است و از مردم چه در نزد اوست؛ چه داده است و چه گرفته است و در خاطرش نبود آنچه را دیده و آنچه را شنیده و آنچه گفته و آنچه به او گفته‌اند و به یاد نداشت که چه کسی به او نیکی کرده و چه کسی به او بدی کرده است و چه چیز نفع دارد او را و چه چیز ضرر دارد.

و نعمت فراموشی در آدمی، اگر تامل کنی، عظیم‌تر است از نعمت یادآوری. اگر فراموشی در آدمی نبود، هیچ کس از مصیبتی آرامش نمی‌یافت و کینهٔ هیچ کس از سینه‌اش بیرون نمی‌شد و از هیچ یک از نعمت‌های دنیا بهره‌مند نمی‌شد؛ برای آنکه آسیب‌هایی که بر او وارد شده، همیشه در برابر او بود و امید نداشت که شخصی که دشمن اوست، از احوال او غافل گردد؛ یا حسودی، لحظه‌ای از فکر او پیردازد. پس نمی‌بینی که خداوند حکیم حافظه و

فرا موشی را در آدمی قراردادده و هر دو ضد یکدیگرند؟ در هر یک مصلحتی هست که وصف نمی توان کرد.

ای مفضل، درباره آن صفتی که از میان سایر حیوانات، ویژه انسان است، تفکر کن که آن «حیا» است. اگر حیا نمی بود، هیچ کس ممانداری نمی کرد و وفا به وعده ها نمی نمود و نیازهای مردم را بر نمی آورد؛ به کسی نیکی نمی کرد و از بدی ها دوری نمی کرد؛ حتی بسیاری از امور را مردم برای حیا به عمل می آورند؛ زیرا برخی از مردم اگر از یکدیگر شرم نمی کردند، حتی پدر و مادر را نیز به جای نمی آوردند و صلۀ رحم و احسان به خویشان نمی کردند و امانت های مردم را پس نمی دادند و ترک معاصی نمی کردند.



پس، داده است خداوند علیم به آدمی آنچه صلاح دین و دنیای او در آنهاست و منع کرده است از آدمی، دانستن امری چند را که در شأن و طاقت او نیست دانستن آنها؛ مانند امور آینده و آنچه در دل‌های مردم است و مانند اینها.

تأمل کن ای مفضل، در مصلحت پنهان کردن عمر هر کس از او، زیرا که اگر مقدار عمر خود را بداند، اگر عمرش کوتاه باشد، زندگی بر او ناگوار خواهد بود و اگر بداند که عمرش دراز خواهد بود، امید بقا خواهد داشت.

و بدان ای مفضل! که نیاز اصلی آدمی به زندگانی، نان و آب است. پس نظر کن که چگونه تدبیر کرده است در این دو چیز؛ زیرا که چون آدمی را احتیاج به آب، شدیدتر است از احتیاج به نان، بنا بر آنکه صبر او بر گر سنگی زیاده است از صبر بر تشنگی، و احتیاجش به آب بیشتر است از احتیاج به نان؛ لذا آب را فراوان گردانیده است.

و اگر آدمی را هرگز دردی نمی‌رسید، به چه چیز ترک می‌کرد کناهان را و به چه چیز تواضع می‌کرد برای خدا و تضرع می‌کرد نزد او؟ و به چه چیز مهربانی می‌کرد به مردم و صدقات می‌نمود به مساکین؟ نمی‌بینی کسی را که به دردی دچار شد، خضوع می‌کند و به درگاه خدا روی می‌آورد و طلب عافیت می‌کند و دست می‌کشد به دادن صدقه؟ پس نمی‌بینی که حکیم علیم در هر امری، آنچه به عمل آورده، همه موافق حکمت است و راه خطا در آن نیست؟

مفضل گفت: چون سخن بدینجا رسید، مولای من فرمود: برو، و آنگاه خود به نماز ایستاد. پس من شاد و خوشحال برگشتم به آنچه از معرفت مرا حاصل شد و خدا را حمد کردم.

توحید مفضل، ترجمه علامه مجلسی، با اندکی تصرف

معنی واژگان درس ۱۴

فروغ: نور و روشنایی

خلقت: آفرینش

تدبیر: چاره اندیشی

اراده: میل و خواست

شعور: درک

قوه: استعداد

مصلحت: خیراندیشی

صلهٔ رحم: پیوندبا خویشان

معاصی: گناهان

صلاح: خیر و مصلحت

شأن: مقام و مرتبه

بقا: ماندگاری

عافیت: تندرستی

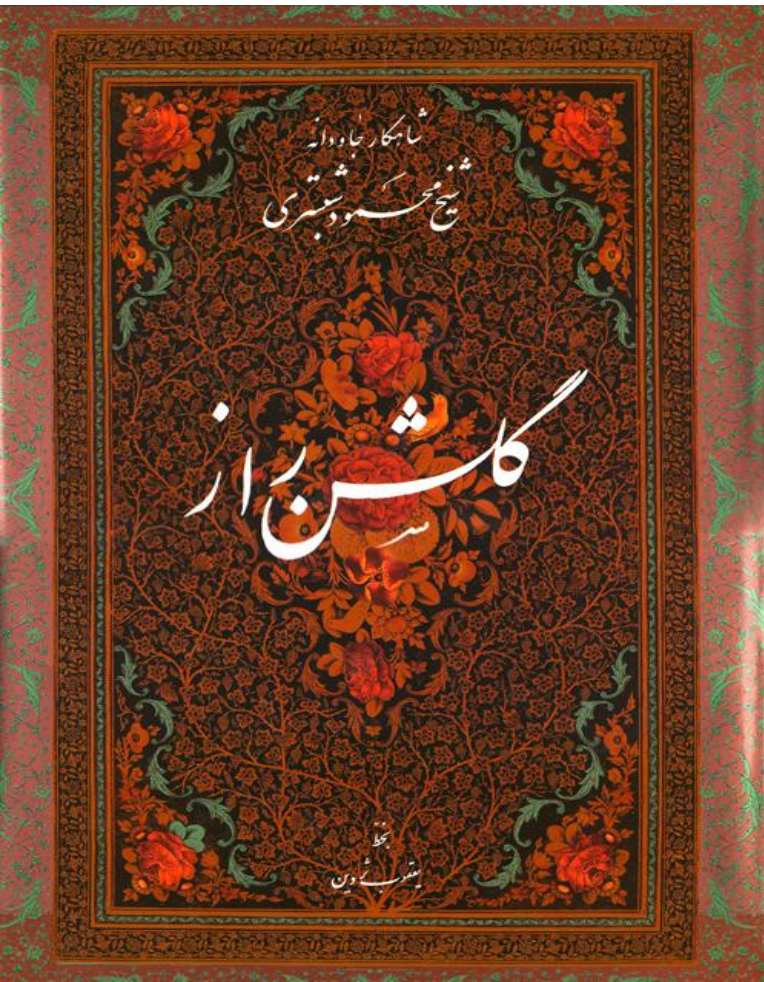
خضوع: فروتنی

تاریخ ادبیات

سعدالدین محمودبن امینالدین عبدالکریمبن یحیی شبستری (معروف به: شیخ محمود شبستری) یکی از عارفان و شاعران سده هشتم هجری است. وی از مشاهیر عرفای ایران است و بیشتر شهرت او به خاطر اثر معروفش گلشن راز است. مثنوی گلشن راز مهم‌ترین و مشهورترین اثر منظوم محمود شبستری است که در بردارنده اندیشه‌های عرفانی وی و حدود هزار بیت می‌باشد. با وجود حجم اندکش، این کتاب یکی از یادگارهای پرارزش و بلندنام ادبیات عرفانی کهن فارسی است، که در آن بیان مفاهیم صوفیانه با شور، شوق، و روانی ویژه‌ای همراه گردیده است. مطابق شیوه معمول عطار و مولانا، در این جا نیز، از حکایات و تمثیلات برای بیان و عرضه مؤثر معانی عرفانی و حکمی استفاده شده است.

شبستری این مثنوی را در پاسخ به پرسش‌های امیر حسینی هروی سروده است.

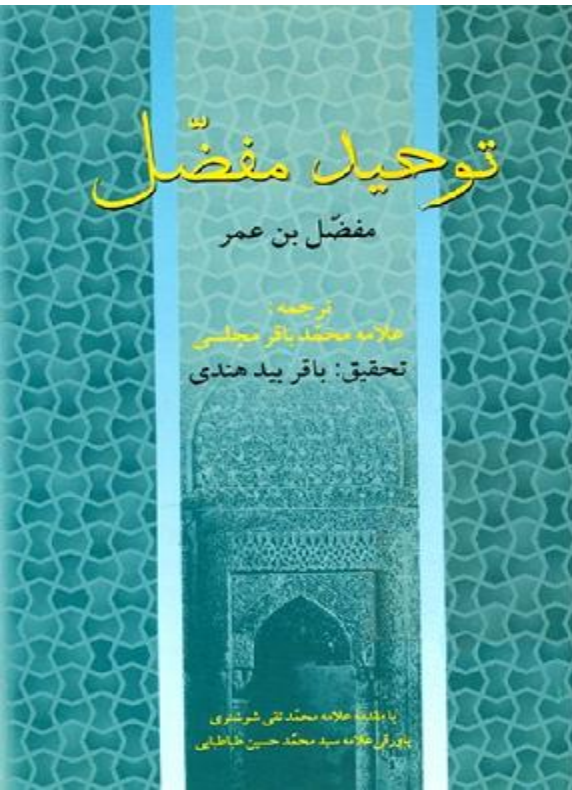
از آثار دیگر وی، می‌توان به «حق‌الیقین» و «شاهدنامه» اشاره کرد.



تاریخ ادبیات

کتاب توحید مفضل، نوشتار گفته‌های امام جعفر صادق، ششمین امام شیعیان است و در آن به مباحث خداشناسی پرداخته شده است. مفضل بن عمر، از شاگردان خاص امام جعفر صادق و امام موسی کاظم بوده است. او این کتاب را پس از چهار جلسه ای که از محضر آن امام بزرگ، بهره گرفت، نوشت. امام رضا در حدیثی بر او رحمت فرستاده و تبعیت او از ائمه را ستوده است. نسخه‌های خطی متعددی از توحید مفضل به جا مانده است که برخی از آن‌ها در ایران و در کتابخانه‌هایی چون کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه ملی و کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، و برخی دیگر در عراق نگهداری می‌شوند. ظاهراً قدیمی‌ترین نسخه خطی این اثر، متعلق به سال ۱۰۵۶ق و به خط عبدالرزاق جیلانی است که در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی در قم نگهداری می‌شود. توحید مفضل برای نخستین بار در سال ۱۲۸۷ش در ایران به چاپ رسید. از آن پس تاکنون، متن و ترجمه‌ها و شروح متعددی از توحید مفضل در مصر، عراق و ایران چاپ شده است.

علامه مجلسی، از دانشمندان دوره صفوی (قرن ۱۱) این کتاب را به فارسی ترجمه کرده است. معروف‌ترین اثر این عالم «بحار الانوار» نام دارد.



توضیحات ادبی درس چهارده

جهان جمله فروغ روی حق دان **حق اندر وی ز پیدایی است پنهان**
معنی: تمام پدیده های جهان، نشانگر بزرگی و عظمت خداوند است و خداوند از شدت آشکاری در دل پدیده ها، پنهان به نظر می رسد.
حق: در متون عرفانی، غالباً به معنی « خداوند » است. حق در مصراع اول، مضاف الیه و در مصراع دوم، نهاد/ پنهان: مسند و هسته گروه اسمی.

تفکر کن ای مفضل، در همه اعضای بدن و تدبیر آنها که هر یک برای هدفی و حاجتی آفریده شده اند.
ای مفضل، به همه اعضای بدن و به این که هر کدام برای رفتاری و نیازی آفریده شده اند، فکر و توجه کن.

ونعمت فراموشی در آدمی، اگر تأمل کنی، عظیم تر است از نعمت یادآوری.
اگر خوب فکر کنی، نعمت فراموش کردن وقایع در انسان، از نعمت یادآوری و به خاطر آوردن، مهم تر و بزرگتر است.

امید نداشت که شخصی که دشمن اوست، از احوال او غافل گردد؛ یا حسودی، لحظه ای از فکر او بپردازد.

انسان، امید نداشت که دشمنش، از حال او بی خبر شود (او را فراموش کند) یا فرد حسود، لحظه ای به او فکر نکند.

واژه شناسی

واژه شناسی

یکی از راه‌های کسب مهارت در کاربرد درست واژگان، شناخت ریشه واژه‌ها و معانی آنهاست؛ برای نمونه: فضل، فاضل، مفضل، تفضیل، افضل، فضلا و... از ریشه «فضل» به دست می‌آیند و املائی آنها به یکدیگر شبیه است؛ بنابراین با شناخت ریشه واژه‌ها و معنی آنها می‌توانیم دامنه واژگانی خود را افزایش دهیم و از آن در مهارت درست‌نویسی هم بهره بگیریم.

مفرد	جمع
معصیت	معاصی
مصیبت	مصائب
مصلحت	مصالح
مسکین	مساکین
صدقه	صدقات
محنت	مَحَن

واژه شناسی ۲

واژه	ریشه	هم خانواده
مزار	زَوَّرَ (زارَ)	زائر
ضمن	ضَمَّنَ	تضمین
ماجرا	جَرَى	جریان
عافیت	عَفَى	معاف
مفضل	فَضَلَ	تفضیل
تدبیر	دَبَّرَ	مدبّر
تأمل	أَمَلَ	آمال
قائل	قَوَّلَ (قال)	قول
قوه	قَوَى	مقوی
فواید	فَوَدَّ (فاد)	استفاده
خلل	خَلَلَ	اخلال
معاصی	عَصَى	عصیان
مطیع	طَوَّعَ	اطاعت

◀ قید

به جمله‌های زیر، دقت کنید:

- مفضل، اندوهناک، نزد امام صادق (ع) رفت.
- مریم، امروز مشتاقانه کتاب می‌خواند.
- علی، خوب سخن می‌گوید.

همان گونه که در جمله‌های بالا می‌بینید کلماتی مانند: «اندوهناک، امروز، مشتاقانه و خوب» توضیحاتی دربارهٔ نماد یا فعل جمله می‌دهند. به عنوان نمونه در جملهٔ اول «اندوهناک» چگونگی و حالت «مفضل» را بیان می‌کند و در جملهٔ دوم، کلمهٔ «امروز» زمان فعل «خواندن» را مشخص می‌کند.

به این نوع واژه‌ها، «قید» می‌گویند. قید کلمه یا ترکیب‌هایی هستند که مفهوم حالت، زمان، مکان، تردید، یقین، تکرار و ... را به جمله، می‌افزایند. قید از ارکان اصلی جمله نیست و حذف آن هیچ آسیبی از دید معنایی در جمله پدید نمی‌آورد. هر جمله می‌تواند قیده‌های گوناگون داشته باشد؛ قیده‌ها جای ثابتی در جمله‌ها ندارند.

قید و انواع آن

- قید مختص:** کلمه هایی که همیشه در نقش قید به کار می روند و نقش دیگری نمی گیرند.
مثال: هرگز، هنوز، البته، اتفاقاً، احیاناً.
- کلمه های تنوین دار عربی:** اساساً، اصلاً، اصولاً، اصلاً.
- پیشوند + اسم:** به شدت، با حوصله، به اختصار.
- قید زمان:** شب، روز، دیروز، فردا، گاهی، به ندرت، چند دقیقه.
- قید مکان:** اینجا، همه جا، بالا، پایین، بالا، زیر.
- قید مقدار (کمیت):** کم، بیش، زیاد، خیلی، تا اندازه ای، فراوان، آنقدر.
- قید کیفیت (چگونگی):** خوب، بد، زشت، زیبا، چگونه، آهسته.
- قید حالت:** خندان، گریان، پریشان، قدم زنان، ایستاده، نشسته.
- قید تمناً:** کاش، کاشکی، لطفاً، ان شاء الله.
- قید تأسف:** متأسفانه، افسوس، دریغا، آخ، فریاد، واویلا.
- قید تعجب:** عجب، شگفتا، وه، سبحان الله.
- قید تکرار:** دوباره، باز، بازهم، مجدداً.
- قید پرسش:** آیا، چرا، مگر، کی، چه،
- قید نفی:** هرگز، ابداً، اصلاً، خیر.
- قید تأکید:** البته، حتماً، واقعاً، یقیناً.
- قید تردید:** شاید، احتمالاً، گویا.

دو بیتی

دوبیتی: دو بیت است که گاه مصراع سوم آن قافیه ندارد. بیشتر درون مایه ای عاشقانه و عارفانه دارد و رایج ترین قالب در میان روستاییان است. بابا طاهر و فایز دشتستانی از معروف ترین شاعران دوبیتی گو هستند. دو بیتی وزنی خاص دارد و از این نظر با رباعی متفاوت است.

به جز شور توأم در سر نباشد
که تا جای کس دیگر نباشد
فایز

دلَم را جز تو کس دلبر نباشد
دل فایز تو عمداً می کنی تنگ

ره کاشانه دیگر بگیریم
سراغ از لاله پرپر بگیریم

بیا ای دل از اینجا پر بگیریم
بیا گم گشته دیرین خود را

قیصر امین پور

رباعی

رباعی: شعری چهار مصراع است که معمولاً مصراع سوم آن، قافیه ندارد. درون مایهٔ رباعی بیشتر عارفانه، عاشقانه یا فلسفی است.

مناسب ترین قالب برای ثبت لحظه های کوتاه شاعرانه است و در همهٔ دوره ها رواج داشته است.

خیام، عطار، مولوی و بابا افضل، از سراینندگان نامدار رباعی اند.

دل بر ننگم زدوست تا جان ندهم
کان درد به صد هزار درمان ندهم

مولوی

بنشین و دمی به شادمانی گذران
نوبت به تو خود نیامدی از دگران

خیام

من درد تو را زدست آسان ندهم
از دوست به یادگار، دردی دارم

برخیز و مخور غم جهان گذران
در طبع جهان اگر وفایی بودی

شعرخوانی | بود قدر تو افزون از ملائک

دلی دیزم خریدار محبت
لباسی دوختم بر قامت دل

*

بود درد مو و در مانم از دوست
اگر قصابم از تن واکره پوست

*

به قبرستان گذر کردم کم و بیش
نه درویش بی کفن در خاک رفته

*

دلا، غافل ز سجانی چه حاصل
بود قدر تو افزون از ملائک

*

مکن کاری که بر پا، سنگت آیو
چو فردا نامه خوانان نامه خوانند

کز او گرم است بازار محبت
ز بود محنت و تار محبت

بود وصل مو و هجرانم از دوست
جدا هرگز نگردد جانم از دوست

بیدم قبر دو لتمد و درویش
نه دو لتمد برده یک کفن بیش

مطیع نفس و شیطانی چه حاصل
تو قدر خود نمی دانی چه حاصل

جهان با این فراخی، سنگت آیو
تو وینی نامه خود، سنگت آیو

معنی واژگان شعر (بود قدر تو افزون از ملائک)

دیرم: دارم

محنت:رنج

تار: نخهای عمودی

پارچه

هجران:دوری

واکره:کندن پوست

دولتمند: توانگر

مطیع:رام

نفس:ذات

قدر:ارزش

فراخی:گسترده‌گی

وینی: بینی

ننگ:رسوایی

ایو: آید

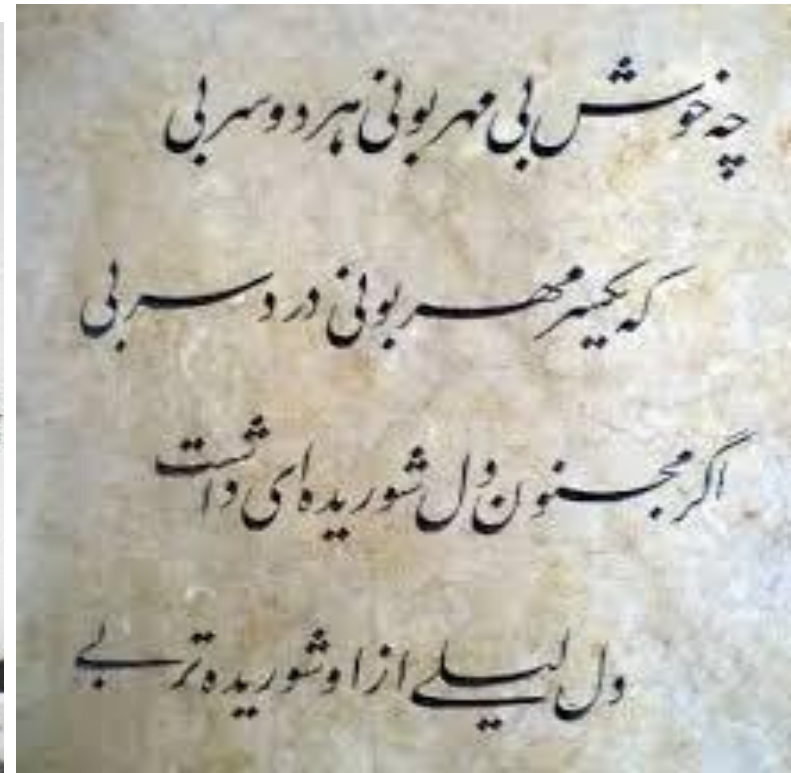
تاریخ ادبیات

اباطاهر یا باباطاهر عریان، عارف، شاعر ایرانی تبار و دوبیتی سرای اواخر سده چهارم و اواسط سده پنجم هجری (سده ۱۱م) ایران و معاصر طغرل بیک سلجوقی بوده است. بابا لقبی بوده که به پیروان وارسته می داده‌اند و عریان به دلیل بریدن وی از تعلقات دنیوی بوده است

باباطاهر انسان‌ها را به ارزش نهادن به زندگی سفارش می‌کند؛ نوعی زندگی که در آن کمال و طی کردن درجات انسان بودن، حرف نخست را بزند. در دوبیتی‌های باباطاهر، سخنانی دیده می‌شود که شامل پندها و اندرزهای وی به آیندگان است.

دو بیتی‌های او سرشار از مضامین لطیف عرفانی و عواطف ساده و صمیمی است.

آرامگاه قدیمی
باباطاهر در همدان



توضیحات ادبی شعر «بود فضل تو افزون برملائک»

دوبیتی ۱: دلی دارم که خواهان عشق و محبت است که بازار محبت از این دل من گرم و پررونق است. برای قامت دلم، لباسی بافتم که پودش از غم عشق و تارش از عشق و محبت است. **تشخیص:** خریدار بودن دل / **بازار محبت:** اضافه تشبیهی.

بیت دارای پنج گروه اسمی است. **هسته:** دل، خریدار، بازار، او، گرم / **قامت دل:** اضافه استعاری / **پود محنت و تار محبت:** اضافه تشبیهی / **شبهه معنایی:** تار و پود و لباس و دوختن.

دوبیتی ۲: درد و درمان من در دست معشوق حقیقی (خداوند) است و وصال و دوری من از معشوق هم دردست او می باشد.

اگر قصاب با رنج بسیار، پوستم را از بدنم جدا بکند، من هرگز دست از دوست نمی کشم و عاشق او می مانم .

تضاد: درد و درمان، وصل و هجران / **واج آرایی:** حرف « د » / **دوست:** در هر دو مصراع به معنای خداوند. **واکره:** مضارع التزامی / **اگر قصابم از تن واکره پوست:** جمله چهار جزئی با مفعول و متمم.

دوبیتی ۳: گاه گاهی از قبرستان گذر می کردم و قبر انسان های ثروت مند و فقیر را می دیدم. انسان فقیر بدون کفن دفن نشده و انسان ثروتمند هم از یک کفن بیش تر با خود نبرده است.

تضاد: دولت مند و درویش /

دوبیتی ۴: ای دل! از خدای پاک و منزّه، دور شدی و از نفس و شیطان پیروی کردی، این کار چه سودی داشت؟
مقام و ارزش تو از فرشتگان، بالاتر است؛ اما وقتی تو ارزش خود را نمی دانی، چه فایده ای دارد؟

دل: منادا/ غافل و مطیع: مسند/ چه حاصل: حذف فعل، چه حاصل دارد/ بُود: مضارع ساده.

دوبیتی ۵:

کاری نکن که دچار سختی و مشکل بشوی و جهان با این همه وسعت و عظمت برای تو رنج آور شود.
وقتی در روز قیامت، فرشتگان نامه اعمال تو را می خوانند، تو با دیدن نامه اعمال خود، احساس شرمندگی کنی.

سنگ در پا آمدن: کنایه از دچار مشکل شدن / **تضاد:** فراخ و تنگ / **سنگ و تنگ:** جناس ناقص اختلافی /
« ت »: در سنگت، مضاف الیه و در تنگت، متمم.

تلمیح: بیت دوم، تلمیح به روز قیامت دارد. **فردا:** مجاز از روز قیامت / **نامه خوانان:** استعاره از فرشتگان.

پرسش های چهارگزینه ای درس چهارده

۱- واژه « روان » در کدام گزینه، قید است؟

- (الف) روان گفت سخن، در حضور پدر
(ب) همی شاد گردد ز بویش روان
(ج) گلاب است گویی به جویش روان
(د) روان است سیل و خراب است حال

۲- در بیت « دلی که سخت ز هر غم تپید، شاد نماند / کسی که زود دل آزرده گشت، دیر نزیست » چند نقش قیدی به کار رفته است؟

- (الف) یک (ب) دو (ج) چهار (د) پنج

۳- کدام گزینه، از بیت زیر، دریافت نمی شود؟

- (الف) دل جایگاه محنت و محبت است.
(ب) محنت و محبت، در وجود انسان سرشته شده است.
(ج) لباس دل از پود محنت و تار محبت است.
(د) محنت، محبت به بار می آورد.

۴- در بین واژگان زیر، چند غلط املائی وجود، دارد؟

- (الف) سه (ب) دو (ج) یک (د) چهار
- طلب عافیت، تواضع، تضرع، خضوع، صلاح دین، شأن و تاغت، امید بقاع، مطیع نفس، محنت و محبت، حکیم علیم

۵- در کدام گزینه، قید به کار رفته است؟

- (الف) هرکس عمرش کوتاه باشد، زندگی ناگوار خواهد بود.
(ب) و نعمت فراموشی، عظیم تر است از نعمت یادآوری.
(ج) مفضل، اندوهناک، نزد امام صادق رفت.
(د) مفضل، به سخنان او اعتراض کرد و آن گمراه، جواب گفت.

۶- کدام بیت از نظر مفهوم، با بیت زیر ارتباط ندارد؟

- جهان، جمله، فروغ روی حق دان
(الف) برگ درختان سبز در نظر هوشیار
(ب) به جهان، خرم از آنم که جهان، خرم از اوست
(ج) به نزد آنکه جانش در تجلی است
(د) خاموش مباش، زیر این خرقة
- حق اندر وی زپیدایی است، پنهان
هر ورقش دفتری است، معرفت کردگار
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
همه عالم، کتاب حق تعالی است
بر جان جهان، دوباره جان آمد

۷- «سنگ در پا آمدن» کنایه است از:

- (الف) عذاب دادن
(ج) تعادل از دست دادن
(ب) دچار مشکل شدن
(د) پاداش گرفتن

۸- طبق سخنان امام صادق (ع)، «اگر حیا نبود...» کدام گزینه، از فرموده های ایشان نیست؟

- (الف) هیچ کس مهمانداری نمی کرد
(ب) هیچ کس به وعده ها وفا نمی نمود
(ج) امانت های مردم را پس نمی دادند
(د) نماز به جا نمی آوردند

۹- کدام بیت با مفهوم «صله رحم و احسان» تقابل معنایی (معنای مقابل) دارد؟

- (الف) بر دیدن دوستان هر از گاه شتاب
(ب) بنگر به سفارش خدا با تأکید
(ج) گر بود کسی که انزوا پیشه کند
(د) در آیه اول نساء آمده است
- زیرا که تو را هست از این باب ثواب
کو را بپرستید و به ارحام رسید
باشد که به کار خویش اندیشه کند
کوتاهی اقوام نکوهش شده است

۱۰- آرایه ادبی کدام گزینه با دیگر گزینه ها متفاوت است؟

- (الف) پیراهنی که آن پرده دل است .
(ب) چه کسی شش را بادزن دل قرار داده است؟
(ج) کسی که به فنای عمر، یقین به هم رسانید، ناامیدی بر او غلبه می کند و امید وار نمی ماند.
(د) فراموشی همانند نعمتی است در آدمی ، اگر تأمل کنی عظیم تر است از نعمت یادآوری.

پاسخ تشریحی پرسش های درس چهارده

- ۱- الف) « روان » در گزینه «ب» نهاد و در گزینه « ج و د»، مسند است.
- ۲- د) سخت، ازهرغم، شاد، زود و دیر، قید هستند.
- ۳- د) این گزینه ارتباطی با بیت موردنظر، ندارد.
- ۴- ب) شأن و طاقت و امید بقا صحیح است.
- ۵- ج) اندوهناک، قید حالت است.
- ۶- د) این بیت درباره ولادت امام زمان(عج) است.
- ۷- ب) دچار مشکل شدن، صحیح است.
- ۸- د) سایر گزینه ها از سخنان امام صادق(ع) است.
- ۹- ج) این گزینه، به انزوای فرد اشاره دارد و ارتباطی با صلۀ ارحام ندارد.
- ۱۰- ج) امیدوار و ناامید، تضاد دارند. در سایر گزینه ها تشبیه به کار رفته است. دل به پرده / شش به بادزن / فراموشی به نعمت.